

نگاه نشانه‌شناس

در باب بخشش: افعال بیانی و کنش‌های کلامی

فرزان سجودی

گروهی از زبان‌شناسان و از همه مهم‌تر سرلر و استتین پاره‌گفتارهای زبانی را به دو دسته تقسیم می‌کنند. گروه اول پاره‌گفتارهایی هستند که بیانگر محتوای گزاره‌ای هستند و آنها را می‌توان با محک صدق و کذب سنجید. برای مثال در برابر جمله‌ای مانند «بصرف می‌بارد» می‌توان با ارجاع به بافت موقعیتی که در این جمله به کار رفته است گفت این جمله (یعنی در واقع محتوای گزاره‌ای جمله) صدق است یا کذب؛ یعنی یا برف می‌بارد یا برف نمی‌بارد. اما جملاتی را در نظر بگیرید مانند «به شما هشدار می‌دهم که مراقب رفتار خود باشید» یا «من شما دو نفر را زن و شوهر اعلام می‌کنم» یا «شما را به سه سال حبس محکوم می‌کنم». تفاوت بین این جملات را با جمله «هر روز روزنامه می‌خوانم» یا «شب‌ها شام نمی‌خورم» در نظر بگیرید. در مورد این جملات افعال به گونه‌ای هستند که فعل به محتوای گزاره‌ای شکل می‌دهد و می‌توان گفت گزاره صادق است یا کاذب. اما در مورد گروه اول کنش در خود بیان نهفته است. افعالی چون اعلام کردن، محکوم کردن، نامیدن، هشدار دادن، بخشیدن و امثال آن را اصطلاحاً افعال بیانی می‌نامند زیرا در همه این موارد کنش در بیان خود فعل نهفته است. یعنی با گفته شدن کنشی را موجب می‌شوند. در مورد این دسته از جملات که با افعال بیانی ساخته می‌شوند محک صدق و کذب کار نمی‌کند. مثلاً چطور می‌توان گفت جمله «من تو را به سه سال زندان محکوم می‌کنم» صادق است یا کاذب. این افعال دارای نیروی کنشی هستند. اینها افعالی هستند که صرفاً بیان‌شان در شرایط بجا و کارآمد می‌تواند تأثیرات تعیین‌کننده بر زندگی دیگران داشته باشد. برای اینکه این نیروی کنش بیانی تحقق پیدا کند گوینده این جملات باید شرایط کارایی را برآورده کند. یعنی برای اینکه کنش بیانی حادث شود باید پاره‌گفتار بیانی بجا باشد و اگر بجا باشد نیروی کنشی بیان جاری نمی‌شود. مثلاً من اگر به پسر و دختری بگویم «شما را زن و شوهر اعلام می‌کنم» این گفته من نافذ نخواهد شد و فاقد نیروی کنشی بیان خواهد بود زیرا من در جایگاهی نیستم که بتوانم با ادای چنین جمله‌ای کنش بیانی آن را جاری کنم در حالی که یک عاقد دارای این شرایط هست. پس نیروی بیانی این پاره‌گفتارها وابسته به شرایط بیان آنهاست که اصطلاحاً شرایط کارایی نامیده می‌شود و چنانچه آن شرایط تحقق نیابد پاره‌گفتار بیانی بجا نیست و کنش بیانی ناشی از آن جاری نخواهد شد. حال با این بحث اجازه بدهید نمونه‌ای از این افعال را بررسی کنیم. دو فعل «محکوم کردن» و «بخشیدن» هر دو از جمله افعال بیانی هستند و تحقق کنش ناشی از بیان آنها وابسته به بچایی و شرایط کارایی است. در مورد حقوق فردی تقریباً هر کسی می‌تواند ببخشد اما هر کسی نمی‌تواند مثلاً اشخاص را به پرداخت جریمه یا زندان محکوم کند. در مورد حقوق جمعی بجایی و شرایط کارایی وابسته به نهاد تعریف‌کننده حق و شبکه‌های پیچیده ساختارهای اخراقی، سنت حقوقی و حقوق مدون و ساختار قدرت و امثال آن است. ولی نکته جالب اینجااست – و به همین دلیل نگارنده نیز این دو فعل را انتخاب کرده است– که این دو فعل بیانی کاملاً وابسته به یکدیگرند و شرایط کارایی هر دو یکی است. یعنی همان نهادی که دارای شرایط لازم است که محکوم کند و وقتی محکوم کند بیان فعل به جاری شدن نیروی کنشی می‌انجامد دارای شرایط کارایی برای بخشیدن است و وقتی می‌بخشد پاره‌گفتار بیانی‌اش بجا تلقی می‌شود و عمل می‌کند. محکوم کردن و بخشیدن، هر دو، امکان بجایی و شرایط کارایی خود را از یک مجموعه اختیارات نهادهی کسب می‌کنند.

چهره اندیشه فیلسوف تحلیلی برتر

مارتا نوسبام به عنوان یکی از متفکران برتر سال ۲۰۱۰ برگزیده شد.
مارتا نوسبام استاد حقوق و اخلاق در دانشگاه شیکاگو و از فیلسوفان تحلیلی معاصر در میان ۱۰۰ اندیشمند برگزیده مجله فارین پالیسی در سال ۲۰۱۰ میلادی قرار گرفت.
جدیدترین کتاب مارتا



نوسبام با عنوان «ته برای سود: چرا دموکراسی نیاز به علوم انسانی دارد» در سال ۲۰۱۰ میلادی از سوی انتشارات دانشگاه پرینستون منتشر شد که توجهات جهانی را معطوف به خود کرد.
مارتا نوسبام در این کتاب به بررسی نسبت میان علوم انسانی و دموکراسی می‌پردازد.
نوسبام معتقد است به لحاظ تاریخی علوم انسانی نقش محوری در آموزش و پرورش داشته‌اند. او علت این مساله را نقش این علوم در تربیت شهروندان می‌داند. او در این کتاب به انتقاد از رسالت آموزش و پرورش در برخی جوامع دموکراتیک می‌پردازد و معتقد است رسالت اصلی آموزش و پرورش در آن جوامع دچار انحراف شده است.
نوسبام معتقد است هدف نظام آموزشی رشد اقتصادی صرف نیست بلکه توسعه همه‌جانبه باید مد نظر نظام آموزشی باشد.

انتشار نوار صوتی مباحثات دو سازمان چریکی در ایران بعد از ۳۵ سال

حمید اشرف و خرده‌بورژوازی سنتی

۱۰ بخش فایل صوتی که هر کدام عمدتاً شامل سه

فایل و گاه چهار فایل و دو فایل می‌شوند و جمعاً به ۳۱ فایل می‌رسند به وسیله تراب حق شناس روی سایت‌ها آمده است. این فایل‌های صوتی حاوی بحث‌های حمید اشرف و بهروز ارمغانی از یک طرف با تقی شهرام و جواد قانذی از طرف دیگر است. دو نفر اول چریک فدایی‌اند و دو نفر مقابل مجاهدین به اصطلاح مارکسیست شده. آنها از پشت پرده‌ای با هم بحث می‌کنند و گفت‌وگوها به وسیله یک دستگاه ضبط شده است و اکنون بعد از ۳۵ سال منتشر شده است. دقت به صحبت‌های فوق برای نگارش تاریخ معاصر و تحلیل جامعه‌شناختی آن ضروری و واجب است. در ابتدای بحث حمید اشرف می‌گوید رفقا می‌گویند این حرکت یعنی تصفیه درونی و به اصطلاح مارکسیست شدن سازمان آیا یک حرکت بنیاداً اصولی است؟ که تقی شهرام تند می‌شود و دیگر آنها، یعنی حمید اشرف و بهروز ارمغانی صحبت را ادامه نمی‌دهند. نمی‌گویند که قتل شریف واقفی یک جنایت و آدم‌کشی و رفیق کشی است و می‌گذرند. این بحث در پاییز ۵۴ صورت گرفته است یعنی زمانی که گروه وحید افراخته دستگیر شده‌اند. اعتراض کرده‌اند، کروکی سازمان را کشیده‌اند و اعدام شده‌اند و جامعه از فاجعه قتل شریف واقفی مطلع شده است. به این ترتیب تقی شهرام نت‌ها تزدیدی در صحت اقدام کشتن شریف واقفی نمی‌کند بلکه به آنها که در مقابل این استحاله مقاومت و اعتراضی کرده‌اند بد و بیراه می‌گوید و از الفاظی چون اپورتونیست‌ها و… یاد می‌کند و گروه مقابل یعنی حمید اشرف و بهروز ارمغانی هیچ نمی‌گویند. قتل خود نیز چنین رفیق‌کشی‌ها و تصفیه درونی‌هایی داشته‌اند. حتی آنها می‌گویند سازمان در قبل التقاطی بوده و اکنون یکدست شده است لذا بحث وحدت دو سازمان پیش آمده است. تقی شهرام می‌گوید مخالفان حرکت ما در محکومیت‌مان می‌گویند از شیوه‌های استالینی سود جست‌هایم، مگر استالین چیست؟

جز خاری در چشمان بورژوازی. این بحث‌ها را باید به دقت بارها و بارها گوش کرد و نکات بسیاری از آنها را برای نگارش تاریخ معاصر روی کاغذ آورد، زیرا آنها خط کشید و به تامل و تفکر روی آنها پرداخت. آیا این اپوزیسیون چیزی از دموکراسی می‌دانست؟ تقی شهرام از واژه سوسیال‌امپریالیسم سود می‌جوید و حمید اشرف به او اعتراض می‌کند و بعد آنها گروه‌های خارج از کشور را مورد تحلیل قرار می‌دهند. می‌گویند جبهه ملی از فدایی‌ها حمایت می‌کند اما انحرافاتِی دارد. انحرافات تمایل به تروتسکیسم، نقد به استالین و مانو است. در ضمن آنها یعنی جبهه ملی‌ها که چپ شده‌اند و بعداً سازمان وحدت کمونیستی شدند و راهی را چپ می‌کردند معتقد به استبداد تاریخی در ایران هستند. شیوه تولید آسیایی را قبول دارند و به مونیسم در حرکت تاریخ اعتقاد ندارند. حمید اشرف نقد استالین و مانو و قبول شیوه تولید آسیایی و رد کردن وجود فئودالیسم در ایران را انحرافی می‌داند و می‌گوید این یعنی رد مونیسم در تاریخ اشراتی هم به تاریخ ماد نوشته دیاکونوف که کریم کشاورز ترجمه کرده و دکتر خنجی نقدی بر آن نوشته است، می‌شود.

حمید اشرف مانو را در داخل چین و سیاست‌های او را تأیید می‌کند و سیاست خارجی چین را به نقد می‌گیرد و تقی شهرام برای اینکه کم نابورد و در زمینه مارکسیسم خود را وارد قلمداد کند مرتباً در میان صحبت‌ها وارد می‌شود و جملاتی می‌گوید، اما به نقد از فدایی‌ها می‌گوید چرا کتاب اقتصاد نیکیتین را به ما ندادید؟ کتابی ابتدایی و در ضمن سطحی از انتشارات پروگرس شوروی سابق. حمید اشرف در جایی می‌گوید: «به قول استالین راستی استی کمونیست‌ها از سرشت و پذه‌ای هستند.»

قرن بیستم این سرشت ویژه را هم به نقد نشان داد. حمید اشرف پشتیبانی جبهه ملی چپ‌پسده کنفدراسیون را از خودشان ذکر می‌کند و می‌ستاید و به مانوئیست‌ها حمله می‌کند که چرا مبارزه مسلحانه را رد می‌کنند. این دو یعنی جبهه ملی و مانوئیست‌ها در

چند روز پیش پارلمان روسیه اعلام کرد: «مدارک موجود در بایگانی که در اوایل دهه ۱۹۹۰ از قید محرمانه بودن درآمده نشان می‌دهد کشتار زندانیان لهستانی در جنگل کاتین به دستور استالین و دیگر رهبران اتحاد جماهیر شوروی انجام شده است.» این برای اولین بار است که یک نهاد قانونی روسیه این واقعه را قتل عام خوانده و مسئولیت آن را بر عهده می‌گیرد. بر اساس این گزارش، «در سال ۱۹۴۰ میلادی نیروهای شوروی سابق ۲۳۰ هزار نظامی لهستان را دستگیر کردند. تمامی نظامیان درجه‌دار به فرمان استالین به اردوگاهی مجزا انتقال داده شدند که ۱۱ هزار نفر آنها با شلیک گلوله به پشت گردن کشته شده و در گورهای دسته‌جمعی در جنگلی نزدیک منطقه‌ای با نام کاتین واقع در شمال روسیه دفن شدند.» یک سال بعد از اینکه این اسرا در گورهایی که به دست خودشان کنده شده بود روی هم دفن شدند خانواده‌های منتظر آنها و دولت لهستان از دولت شوروی سراغ هموطنان خود را می‌گرفتند، سه سال بعد از قتل عام آنها آلمان‌ها این گورها را پیدا کردند ولی روس‌ها با متهم کردن نازی‌ها، آنها را عامل این قتل عام دانستند. روزنامه پراودا در ۱۶ آوریل سال ۱۹۴۳ نوشت: «خون صدها هزار قربانی به گردن قاتلان نازی است و هیچ لهستانی دروغ آنان را باور نمی‌کند و قاتلان به زودی به سزای جنایت خودشان خواهند رسید…»

در این مورد روس‌ها نتوانستند توصیه گوبلز را به بهترین شکل به خود آلمانی‌ها بازگردانند یعنی تصمیر گرفتند انقدر دروغ بگویند تا راست جلوه کند. دولت شوروی کمیسوین

اندیشه

انتشار نوار صوتی مباحثات دو سازمان چریکی در ایران بعد از ۳۵ سال

حمید اشرف و خرده‌بورژوازی سنتی

۱۰ بخش فایل صوتی که هر کدام عمدتاً شامل سه

فایل و گاه چهار فایل و دو فایل می‌شوند و جمعاً به ۳۱ فایل می‌رسند به وسیله تراب حق شناس روی سایت‌ها آمده است. این فایل‌های صوتی حاوی بحث‌های حمید اشرف و بهروز ارمغانی از یک طرف با تقی شهرام و جواد قانذی از طرف دیگر است. دو نفر اول چریک فدایی‌اند و دو نفر مقابل مجاهدین به اصطلاح مارکسیست شده. آنها از پشت پرده‌ای با هم بحث می‌کنند و گفت‌وگوها به وسیله یک دستگاه ضبط شده است و اکنون بعد از ۳۵ سال منتشر شده است. دقت به صحبت‌های فوق برای نگارش تاریخ معاصر و تحلیل جامعه‌شناختی آن ضروری و واجب است. در ابتدای بحث حمید اشرف می‌گوید رفقا می‌گویند این حرکت یعنی تصفیه درونی و به اصطلاح مارکسیست شدن سازمان آیا یک حرکت بنیاداً اصولی است؟ که تقی شهرام تند می‌شود و دیگر آنها، یعنی حمید اشرف و بهروز ارمغانی صحبت را ادامه نمی‌دهند. نمی‌گویند که قتل شریف واقفی یک جنایت و آدم‌کشی و رفیق کشی است و می‌گذرند. این بحث در پاییز ۵۴ صورت گرفته است یعنی زمانی که گروه وحید افراخته دستگیر شده‌اند. اعتراض کرده‌اند، کروکی سازمان را کشیده‌اند و اعدام شده‌اند و جامعه از فاجعه قتل شریف واقفی مطلع شده است. به این ترتیب تقی شهرام نت‌ها تزدیدی در صحت اقدام کشتن شریف واقفی نمی‌کند بلکه به آنها که در مقابل این استحاله مقاومت و اعتراضی کرده‌اند بد و بیراه می‌گوید و از الفاظی چون اپورتونیست‌ها و… یاد می‌کند و گروه مقابل یعنی حمید اشرف و بهروز ارمغانی هیچ نمی‌گویند. قتل خود نیز چنین رفیق‌کشی‌ها و تصفیه درونی‌هایی داشته‌اند. حتی آنها می‌گویند سازمان در قبل التقاطی بوده و اکنون یکدست شده است لذا بحث وحدت دو سازمان پیش آمده است. تقی شهرام می‌گوید مخالفان حرکت ما در محکومیت‌مان می‌گویند از شیوه‌های استالینی سود جست‌هایم، مگر استالین چیست؟

جز خاری در چشمان بورژوازی. این بحث‌ها را باید به دقت بارها و بارها گوش کرد و نکات بسیاری از آنها را برای نگارش تاریخ معاصر روی کاغذ آورد، زیرا آنها خط کشید و به تامل و تفکر روی آنها پرداخت. آیا این اپوزیسیون چیزی از دموکراسی می‌دانست؟ تقی شهرام از واژه سوسیال‌امپریالیسم و بعد از آن سوسیالیسم نقد می‌کند. نمی‌گویند که قتل شریف واقفی یک جنایت و آدم‌کشی و رفیق کشی است و می‌گذرند. این بحث در پاییز ۵۴ صورت گرفته است یعنی زمانی که گروه وحید افراخته دستگیر شده‌اند. اعتراض کرده‌اند، کروکی سازمان را کشیده‌اند و اعدام شده‌اند و جامعه از فاجعه قتل شریف واقفی مطلع شده است. به این ترتیب تقی شهرام نت‌ها تزدیدی در صحت اقدام کشتن شریف واقفی نمی‌کند بلکه به آنها که در مقابل این استحاله مقاومت و اعتراضی کرده‌اند بد و بیراه می‌گوید و از الفاظی چون اپورتونیست‌ها و… یاد می‌کند و گروه مقابل یعنی حمید اشرف و بهروز ارمغانی هیچ نمی‌گویند. قتل خود نیز چنین رفیق‌کشی‌ها و تصفیه درونی‌هایی داشته‌اند. حتی آنها می‌گویند سازمان در قبل التقاطی بوده و اکنون یکدست شده است لذا بحث وحدت دو سازمان پیش آمده است. تقی شهرام می‌گوید مخالفان حرکت ما در محکومیت‌مان می‌گویند از شیوه‌های استالینی سود جست‌هایم، مگر استالین چیست؟

او نقشه ترور صاحب کارخانه را می‌کشد و این یعنی به هم ریختن آن نظم مبارزات کارگری، و بالاخره کارگران ضدتولید نیستند و وجود و درآمدشان وابسته به چرخیدن چرخ کارخانه است. خرده‌بورژوازی سنتی اما وجود و درآمدش گردش کارش وابسته به تخریب کارخانه است. اگر کارخانه کار نکند کاسبی او رونق می‌گیرد و درآمدش افزایش می‌یابد و اگر کارخانه کار نکند او در روند ورشکستگی قرار می‌گیرد. باید دکانش را تخته کند. مغازه‌دار و کفاش دست‌دوز و تک‌دوز بسا تولیدی که کشش ملی می‌کند محکوم به ورشکستگی است. پس تولید انبوه را دشمن خونی خود می‌داند و خواهان نابودی آن است. این طبقه با رشد تولید صنعتی از تمامی طبقات اجتماعی بیشتر و بیشتر متمایل به تخریب و تروریسم و ویرانگری است. پس حمید اشرف درست فهمیده است که اینان به آنها نزدیک هستند. کارگران امید به آینده دارند، منظم‌اند و به مبارزه آرام و پیگیر معتقدند. و ضد کارباکری در کارخانه‌ند. زحمتکش‌اند. پس ترور و انفجار … را نمی‌پذیرند. اینها را در آثار مارکس و حتی در آثار لنین بسیار می‌یافت. لنین در برخورد با نارودینیک‌ها به بسیار علیه ترور نوشت. کلاً در ادبیات انقلابی روسیه می‌توان آثار بسیاری یافت که همگی نقد تروریسم‌د و به قول تروتسکی این جزوات و کتاب‌ها انقدر زیادند که با آنها می‌توان کتابخانه کوچکی علیه تروریسم ساخت. حمید اشرف اما نمی‌داند که این خرده‌بورژوازی سنتی یا به زبان من طبقه در حال نابودی و ورشکستگی چگونه مستبد و سرکوبگری است. ضدقانون است. حتی به قانون خود تن نمی‌دهد. آشوبگر است و غیرمتحمل. اصلاً غیر را به رسمیت نمی‌شناسد. اگر در مقابل آنها سکوت

می‌کند محکوم به ورشکستگی است. پس تولید انبوه را دشمن خونی خود می‌داند و خواهان نابودی آن است. این طبقه با رشد تولید صنعتی از تمامی طبقات اجتماعی بیشتر و بیشتر متمایل به تخریب و تروریسم و ویرانگری است. پس حمید اشرف درست فهمیده است که اینان به آنها نزدیک هستند. کارگران امید به آینده دارند، منظم‌اند و به مبارزه آرام و پیگیر معتقدند. و ضد کارباکری در کارخانه‌ند. زحمتکش‌اند. پس ترور و انفجار … را نمی‌پذیرند. اینها را در آثار مارکس و حتی در آثار لنین بسیار می‌یافت. لنین در برخورد با نارودینیک‌ها به بسیار علیه ترور نوشت. کلاً در ادبیات انقلابی روسیه می‌توان آثار بسیاری یافت که همگی نقد تروریسم‌د و به قول تروتسکی این جزوات و کتاب‌ها انقدر زیادند که با آنها می‌توان کتابخانه کوچکی علیه تروریسم ساخت. حمید اشرف اما نمی‌داند که این خرده‌بورژوازی سنتی یا به زبان من طبقه در حال نابودی و ورشکستگی چگونه مستبد و سرکوبگری است. ضدقانون است. حتی به قانون خود تن نمی‌دهد. آشوبگر است و غیرمتحمل. اصلاً غیر را به رسمیت نمی‌شناسد. اگر در مقابل آنها سکوت

روسیه بعد از هفتاد سال مسوولیت قتل عام جنگل کاتین را پذیرفت

واقعیت بی‌خاصیت

ثمینا رستگاری

هیترلی را به خاطر جنایت کاتین محکوم می‌کنیم! نازی‌ها از روستایبان به زور گواهی گرفته و شاهدان از ترس دروغ آنها را باور کرده‌اند. اصلا در سال ۱۹۴۰ در جایی که گفته می‌شود اجساد لهستانی‌ها به دست آمده چوپانان گوسفندان

مارس ۱۹۴۰ کمیساریای خلق اتحاد شوروی در امور داخلی مسکو رفیق استالین تعداد زیادی از افسران سابق ارتش لهستان، پرسنل پلیس، مأموران اطلاعات، ناسیونالیست‌ها، ضدانقلابیون، فراری‌ها و دشمنان قسم‌خورده و کینه‌توز نظام شوروی در اردوگاه‌های «کمیساریای خلق برای امور داخلی» (NKVD) و در مناطق غربی اوکراین و بلاروس هستند. افسران ارتش و پلیس دست از تحریک برنمی‌دارند و منتظرند آزاد شوند تا به فعالیت‌های ضدانقلابی خودشان علیه نظام شوروی ادامه دهند. کمیساریای خلق برای امور داخلی به شورش و فعالیت‌های ضدانقلابی در استان‌های غربی اوکراین و بلاروس برده بود است و معلوم شده افسران سابق لهستان… در آن نقش بازی دارند. در میان متخلفان بازداشتی تعداد قابل توجهی جاسوس و ضدانقلاب وجود دارد… (بریا در ادامه نامه تعداد اسرا و درجه نظامی آنان را شرح می‌دهد و تأکید می‌کند همه دشمنان خلق و اتحاد شوروی هستند و باید اعدام شوند. استالین هم موافقت می‌کند…)

بازتاب

پاسخ به یک خواننده نوشتن بر لبه روزبه صدراآ دست چپ‌ها سینمای امریکا را دوست ندارند چون آن را معادل هالیوود می‌دانند. دست راستی‌ها سینمای امریکا را به دلیل ترویج مبتذلیات و تسری شیوه زندگی غربی نهی می‌کنند اما هر وقت از سینما حرف می‌زنند ناخودآگاه پای امریکا را به عنوان تصویر بزرگ سینما وسط می‌کشند. حالا حکایت ماست (با من است) که وقتی می‌نویسم نقش قلم به دست‌هایی را بازی می‌کنم که از طرف یک طیف متمم به مغلق‌نویسی و سرهم‌بندی انتزاعیات می‌شوم و از طرف گروهی دیگر، گناه لغزیدن به دامن گفتارهای خرد و کوچک روشنفکران را به دوش می‌کشم که فقط خودشان حرف‌های خودشان را می‌فهمند (شاید هم نمی‌فهمند اما به روی خودشان نمی‌آورند). بگذارید صادقانه حرفی را بزنم؛ کار تنوریک برای من کاری است که با فاصله‌گیری از گفتار علمی و رهنمایی به مرزهای گفتار ادبی شکل می‌گیرد یعنی دقیقاً من در جاهایی که به شکلی آکادمیک مورد تأیید قرار گرفته است حضور ندارم و به تعبیری از جابه، مکان‌ها و فضاهای غالبی (و نیز قالی) پرهیز می‌کنم و در عرصه‌ها، خلوتگاه‌ها و ناحیه‌هایی سر و کلام پیدا می‌شود که بین مرزها یا چیزها یک گفتار قرار دارد. من همواره خواست‌ام در هیئت یک تجربه‌گرارت تاکتیکی ظاهر شوم، کسی که با رسوخ به گفتارها و منش‌های کلان فلسفی و فکری، گونه‌ای هذیان موجود در این گفتارها و منش‌ها را کشف می‌کند و مقصودم از هذیان، دقیقاً سویه‌ها و جهت‌هایی است که از عقلانیت می‌تراود و به هیچ وجه شناسه عقلانی ندارد بلکه حاوی گونه‌ای گریز به خودانگیختگی زندگی در برابر عقلانیت است، لذا بیانی که از این پروسه برجای می‌ماند، بیانی تکه‌تکه شده و زمزمه‌وار و میانی است به معنای بیانی جا خوش کرده در نفس و درون آنچه زلنده و مازاد عقلانیت است. اینجااست که من فلسفه را بر علم (به معنای علوم تجربی و طبیعی) و ادبیات را بر فلسفه (به معنای آداب و متالی آن ترجیح می‌دهم و لای‌لای این خطوط جداکننده و فاصله‌دار می‌نویسم و این تماماً معنای یک تجربه‌گرایی تاکتیکی است که فی‌المثل در حوزه سنت تحلیلی در هیوم می‌بینم، در حوزه اندیشه قاره‌ای در برادر و در حوزه ادبیات سزار وایخو: کسانی که گفتارهای موجود را می‌شناسند اما نسبت به این فاصله می‌گیرند و گریز می‌زنند و البته ناهای دیگری نیز هست؛ هیوم، سوبژکتیوئته را از صدر به ذیل برمی‌کشد، برادر واقعیت را به این نحو وایخو‌بیانی رمانتیک و نوستالژیک در ادبیات را و تمام اینها تماماً بی‌هیچ شالیه‌ای برای من در میانه یا میان چیزها بودن و به طریق اولی و برتر، نوشتن بر لبه‌است (یعنی همان فاصله‌گذاری بین گفتارهای منش‌های مسلط در فرهنگ و فلسفه به صورت ویژه)، من همواره در جست‌وجوی نقدها و سنسج‌های سلبی و ایجابی دیگران هستم و بدون آنکه بخواهم به ورطه زُست‌های دموکراتیک و کثرت‌گرایی‌بشتم، به نفع خودم با تجربه و تحلیل گزاره‌های مشخصاً منفی و سلبی آنها را مصادره به مطلوب می‌کنم و هرچه این کار غرض‌ورزانه است لذتی دیرپا نیز در آن هست که به من نیروی دوباره برای نوشتن می‌دهد و من همین گونه می‌نویسم و همچنان خواهم نوشت. این کلیت چیزی بود که برای دوست شمالی‌ام سیامک نوشته‌ام تا باب رفاقتی در این میانه باز شود و من همچنان در انتظار نقدها و سنسج‌ها هستم و آنها را به دلایلی که گفتم دوست می‌دارم.

خبر
سخنرانی «امیراحسان کرباسی‌زاده» در موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه
نشست «افرینش‌گرایی: تاریخچه و مسائل فلسفی» با سخنرانی «امیراحسان کرباسی‌زاده» عضو هیات علمی موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران روز چهارشنبه ۱۰ آذرماه ساعت ۱۶:۳۰ در موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار می‌شود.
علاقه‌مندان برای حضور در این نشست می‌توانند به محل موسسه بروی در خیابان نوفل‌لوشاتو، کوچه آراکلیان، شماره ۶ مراجعه کنند.
اعلام فراخوان مقاله برای همایش خواجه نصیرالدین طوسی
معاونت فرهنگی آستان مقدس حضرت‌عبدالعظیم(ع)، برای برگزاری همایش خواجه نصیرالدین طوسی در اسفندماه سال جاری فراخوان مقاله اعلام کرد. این همایش به مناسبت سال جهانی خواجه نصیرالدین طوسی، با عنوان «خواجه نصیرالدین طوسی بینانگار مکتب نجومی مراغه» برگزار می‌شود. مهلت ارسال مقالات تا اول بهمن‌ماه سال جاری و زمان برگزاری همایش، روز دوشنبه دوم اسفند، همزمان با میلاد پیامبر اکرم اعلام شده است.
علاقه‌مندان برای شرکت در این همایش باید مقالات علمی خود را در مهلت اعلام شده به دبیرخانه همایش واقع در آستان مقدس حضرت عبدالعظیم(ع)، دفتر مرکز نجوم ارسال کنند.

نظریه اجتماعی ایتالیا از آنتونیو گرامشی تا جورجو آکامین
هشتمین نشست سالانه انجمن نظریه اجتماعی با عنوان «نظریه اجتماعی ایتالیا از آنتونیو گرامشی تا جورجو آگامین» از ۱۳ و ۱۴ آوریل ۲۰۱۱ (۲۴ و ۲۵ فروردین ۱۳۹۰) در دانشگاه ماساچوست امریکا برگزار می‌شود. برگزارکنندگان این نشست در نظر دارند حوزه مشتردهی از مباحث مربوط به نظریه اجتماعی مدرن ایتالیا را مورد بحث و بررسی قرار دهند و به نظریات متفکرانی چون گالوانو دلا وولپه، نوربرت بوبیو، پائولو ویرنو، جیووانی آریگی، آنتونیو نگری، امبرتو توآکو و آنتونیو گرامشی بپردازند. در این نشست رویکردهایی چون مطالعات فرهنگی، نشانه‌شناسی، تحلیل متن، زبان‌شناسی، ساختارگرایی و زناکوبی و نقد ادبی در طرح مباحث مدنظر قرار خواهند گرفت.

اعلام فراخوان مقاله برای همایش خواجه نصیرالدین طوسی
معاونت فرهنگی آستان مقدس حضرت‌عبدالعظیم(ع)، برای برگزاری همایش خواجه نصیرالدین طوسی در اسفندماه سال جاری فراخوان مقاله اعلام کرد. این همایش به مناسبت سال جهانی خواجه نصیرالدین طوسی، با عنوان «خواجه نصیرالدین طوسی بینانگار مکتب نجومی مراغه» برگزار می‌شود. مهلت ارسال مقالات تا اول بهمن‌ماه سال جاری و زمان برگزاری همایش، روز دوشنبه دوم اسفند، همزمان با میلاد پیامبر اکرم اعلام شده است.
علاقه‌مندان برای شرکت در این همایش باید مقالات علمی خود را در مهلت اعلام شده به دبیرخانه همایش واقع در آستان مقدس حضرت عبدالعظیم(ع)، دفتر مرکز نجوم ارسال کنند.
